

رادیكال‌های اصلاح‌طلب با بداخلاقی سیاسی عملاً از رئیس‌جمهور عبور کردند

ریاکاری حامیان خویشان‌داری منتقدان



زهره‌طیپی خبرنگار گروه سیاست

جلسه روز چهارشنبه، رئیس‌جمهور با فعالان سیاسی، شروع نزاع‌هایی سیاست‌زده بود. پاسخ صریح رئیس‌جمهور به تک‌نسخه طیف رادیکال اصلاح‌طلب در مواجهه با بحران‌های کشور یعنی «مذاکره»، چندان به مذاق حامیان دیروزش خوش نیامد. درحالی‌که چهره‌های سیاسی که در زمره موافقان دولت قرار نمی‌گیرند به تبعیت از اقتضانات سیاست و با درک شرایط حساس کشور، نقد به رئیس‌جمهور را مشفقانه و در جهت پیشبرد بهنسر امور حکمرانی مطرح کردند، طیف رادیکال اصلاح‌طلب همچنان از موضعی طلبکارانه، متوقع و عصبی رئیس‌جمهور را مورد خطاب قرار داد و به دفعات رئیس‌جمهور را به عدم حمایت تهدید کرد و حتی در مواردی تبدیل به اپوزیسیون دولت هم شد؛ رفتاری که نشان می‌دهد، برخلاف ادعاهای طیف رادیکال اصلاح‌طلب، آنان نه فهم درستی از امر سیاسی دارند، نه خوانشی درست از سیاست‌ورزی و مهم‌تر آنکه در میانه نگاه سیاه و سفیدشان، حد وسطی برایشان تعریف نشده است.

سیاست‌ورزی‌ورای نگاه‌های سیاه و سفیدتان معنای‌شود

سیاست‌ورزی امری صفر و صدی نیست که بتوان با یک انتقاد یا تمجید، همه یا هیچ یک سیاستمدار را یک کنش سیاسی را زیر سؤال برد. در دو سه دهه اخیر اما طیفی درست در همین مسیر خطا پیش رفتند، حمایت یا حضورشان در سیاست با اما و اگر و به شرط‌ها و شروط‌ها همراه بوده، مطالبه سیاسی را با متوقع بودن و زدن زیر میز، اشتباه گرفتند و حتی در حمایت از چهره‌های سیاسی نزدیک به خودشان هم از همین اصل تبعیت کردند. رادیکال‌های اصلاح‌طلب این مثنی و منش را نه فقط در مورد صندوق رأی یا نسبیشان با حکومت، بلکه در مورد رؤسای‌جمهور مورد حمایت خودشان هم دنبال کردند. رفتاری که روزگاری با حسن روحانی به خاطر برآورده نکردن توقعاتشان داشتند را حتی با رئیس‌دولت اصلاحات و حالا در دوران ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان دارند، در واقع برای آنان اینکه چه کسی رئیس‌جمهور است چندان اهمیت ندارد، اگر سهم‌شان را نگیرند، مسیر دیگری می‌روند. در این فقره به فاصله‌گذاری با سیاستمدار هم قانع نمی‌شوند، بلکه حتی فراتر تبدیل به اپوزسیون دولت و آن سیاستمدار می‌شوند؛ سیاستمداران یا با آن‌هایند و همه توقعات آنان را اجرا می‌کنند یا علیه آنان می‌شوند. به محض گره خوردن شرایط برای دولت هم انتقادهای آنان اوج می‌گیرد. شرایطی که در حال حاضر علیه دولت چهاردهم در حال وقوع است از این حیث است.

جنگ انرژی و ائتلاف‌سازی آنکارا و تل‌آویو چه سمت‌وسویی دارد؟

ترکیه تنها در شرق مدیترانه



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

با نبردهای غزه، لبنان و به طور خاص سقوط سوریه مشخص بود که جنگ بر سر میادین انرژی در آب‌های مدیترانه شرقی وارد مرحله جدیدی می‌شود. مذاکرات لبنان با قبرس و رژیم صهیونیستی برای ترسیم مرزهای دریایی، قرارداد گازی صهیونیست‌ها با مصر که آمریکا نیز در آن حضور داشت، مهم‌ترین تحولات هفته‌های اخیر در این زمینه بوده‌اند.

نکات

در ادامه مهم‌ترین نکات در باره تحولات مرتبط با مدیترانه شرقی مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

مدیترانه شرقی همانند قفقاز و آسیای میانه، واردقاب‌ت وصف‌بندی بر اساس کریدورها و انرژی شده است. در قفقاز و آسیای میانه مباحث انرژی ذیل کریدورها قرار می‌گیرند؛ اما آنچه در مدیترانه شرقی متفاوت بوده، رقابت بر سر مسیر حوزه‌های دریایی برای برداشت منابع است.

۲

رژیم صهیونیستی قراردادی ۱۵ساله با مصر به ارزش ۳۵ میلیارد دلار به امضا رسانده که طی آن ۱۳۰ میلیارد مترمکعب گاز تا سال ۲۰۲۴ به این کشور صادر می‌شود. میانگین سالانه این قرارداد دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار است که به خزانه دولت رژیم واریز می‌شود.

این مبالغ که با توسعه قرارداده‌ها با مصر و دیگر کشورها می‌توانند افزایش یابند، حکایت از ورود جدی صهیونیست‌ها به بازار انرژی دارد. اگر تل‌آویو به در آمد مناسبی از صادرات انرژی دست یابد، بدون چون‌وچرا تمام سود حاصل‌شده به سمت شرکت‌های تحقیقی و تولیدی تسلیحاتی‌سرازیر می‌شود که نتیجه آن ورود سلاح‌های کیفی با کمیت لازم به ارتش رژیم بیشتر از مقدار کنونی خواهد بود.

۳

عمده صادرات مهم و ملی رژیم صهیونیستی به جهان شامل تجهیزات و محصولات لازم در کشاورزی، تجهیزات و داروهای

رادیكال‌های اصلاح‌طلب با بداخلاقی سیاسی عملاً از رئیس‌جمهور عبور کردند

ریاکاری حامیان

خویشان‌داری منتقدان

عبور از پزشکیان کلید خورد

نقطه اوج این انتقاده‌ها را می‌توان در واکنش برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب به جلسه اخیر احزاب با رئیس‌جمهور دید. واقعیت آن است که رئیس‌جمهور با توجه به واقعیت‌های بین‌المللی و خواست طرف آمریکایی، ایده مذاکره در شرایط فعلی را رد کرد؛ اما رسانه‌های اصلاحات‌خوانشی دیگر از این اتفاقات داشتند. احمد زیدآبادی که از جمله افراد حاضر در جلسه با رئیس‌جمهور بود در یادداشتی که بعد از پایان جلسه، منتشر کرد، نوشت: «اگر این حرف را بپذیریم که آمریکا نامرد است، آیا عدم مذاکره با آن، موجب خنثی کردن نامردی‌اش می‌شود؟» در انتها هم برآوردش این بود که برگزاری این جلسات، عین اتلاف وقت است و حاضران هم جز نمایش، کار دیگری نمی‌کنند. محمدقوامی هم در یادداشتی کمی مشفقانه‌تر از رئیس‌جمهور خواست که «در سیاست خارجی، خلاقیت و ابتکار به خرج دهد.» انتقاد اصلاح‌طلبان، تشویق تندر وها هم تیری بود که روزنامه هم‌میهن در واکنش به جلسه چهارشنبه انتخاب کرد. روزنامه سازندگی هم با «تله‌استراتژیک» به این جلسه واکنش نشان داد. گزاره روشن، این موضع‌گیری‌ها، «عبور از پزشکیان» بود. طرح این استدلال که رئیس‌جمهور زودتر از آنچه انتظار می‌رفت، تنها شد تعبیر دقیق‌تر این گزاره است که عبور اصلاح‌طلبان از پزشکیان که هم‌زمان با پیچیده‌شدن شرایط دولت شروع شده بود، حالا بیش از گذشته روشن شده است. حمایت «به شرط‌ها و شروط‌های» اصلاح‌طلبان از دولت پزشکیان و تأکید بر سهم خواهی‌ها، تا آنجا ادامه داشت که دولت توقعات آنان از حکمرانی را پیش برد. در این میان چندان مهم نیست که اجرای این توقعات و انتظارات با در نظر گرفتن شرایط کشور، اساساً ممکن است یا خیر؛ به نظر آنان دولت می‌بایست تمام انرژی‌اش را برای تحقق این انتظارات صرف کند و در صورت عدم تحقق این شروط، حمایتی در کار نخواهد بود. همان مسیر خطا در ماجرای حمایت از روحانی و پس از آن تحریم صندوق این بار در ماجرای حمایت از دولت پزشکیان در حال وقوع است. شاید می‌بایست ریشه عدم اقبال عمومی به جریان اصلاحات را در همین رویه جست‌وجو کرد؛ اصلاح‌طلبان در مواجهه با انتخابات و اساساً کنش سیاسی، متوقعانه عمل می‌کنند و چون با شرط و شروط و اما و اگر عمل می‌کنند پیش از شروع هر رقابت و کنش سیاسی خود به خود، خودشان را حذف می‌کنند.

دور از کلان‌مسئله‌ها

گذر زمان و فاصله قاطبه کهنه‌کاران اصلاح‌طلب از سیاست موجب شده که انتظارات و کلان‌مسئله‌های آنان با شرایط فعلی تناسب نداشته باشد و حتی در مواردی تنها دغدغه بخشی از جامعه را پوشش بدهد، عدم درک

درست آنان از ملاحظات حکمرانی هم به سرعت ناامیدی آنان را رقم می‌زند و اینگونه می‌شود که حتی اگر سیاستمداری مورد حمایت آنان وارد ساختار شود و مطابق خواست آنان زیر میز نرزد و ملاحظات حکمرانی را رد نکند، از جرگه اصلاح‌طلبی خسار و تحت حمایت اصلاح‌طلبان نخواهد بود. برای اصلاح‌طلبان رادیکال، مدارا و میانه‌روی بر مبنای خواست و توقعات همچنین حمایت از کارگزار سیاسی‌شان، معنا ندارد. در جهان اصلاح‌طلبان رادیکال، سیاستمداران یا سفیدند یا سیاه، آنان حاضر به پذیرش این گزاره نیستند که به جهت حمایت‌شان از دولت روی کار آمده در دست و غلط تصمیمات شریک هستند. بلکه برعکس، با بروز چالش، به منظور کاهش هزینه‌ها، بلافاصله فاصله‌گذار ی میان خود و دولت تعریف می‌کنند و دولت را دیگری می‌بینند که می‌بایست آن را نقد کرد و از آن مطالبه داشت نه اینکه در دست و غلط تصمیمات شریک شوند.

فرق نقد و غرزدن را نمی‌دانید

مجموع این نگاه‌ها و خط‌مشی‌های اصلاح‌طلبان در جلسه روز چهارشنبه با رئیس‌جمهور بروز پیدا کرد. اصلاح‌طلبان رادیکال، بنا را بر نقد از دولت و توقع از آن گذاشتند و پس از آنکه انتقاراتشان برآورده نشد، با قلم عصبانی در رسانه سخن گفتند. تفاوت بارز جریان مقابل اصلاح‌طلبان که در دوره انتخاباتی حامی رئیس‌جمهور نبود را می‌بایست در خوانش آنان از شرایط موجود، جست‌وجو کرد. جریان اصولگرایی شاید در موارد متعددی، انتقاداتی بیش از اصلاح‌طلبان از رئیس‌جمهور داشته باشد و برخی تصمیم‌گیری‌ها یا عدم‌تصمیم‌گیری را مورد انتقاد جدی قرار دهد؛ اما همانند اصلاح‌طلبان رادیکال نگاهی صفر و صدی در مواجهه با دولت، ندارد. علاوه بر آنکه در مقابل نگاه طیف رادیکال اصولگرایان که خواهان استغای رئیس‌جمهور هستند می‌ایستد، دولت را نه با ماهیت سیاسی، بلکه با جایگاهی که در یکی از سطوح کلیدی حکمرانی دارد، نگاه می‌کند که می‌بایست امور کشور را پیش ببرد و درعین‌حال که انتقاداتی جدی به دولت دارد، می‌داند گردن زدن بدون ارائه راه‌حل آن‌هم در میانه جنگ اقتصادی که دولت با آن درگیر است، مشکلی را حل نمی‌کند. به این منظور به جای غر زدن، خویشان‌داری می‌کند تا به جای عقب‌گرد، امور کشور به پیش برود. در این میان خواش‌های سیاست‌زده از عملکرد سیاستمداران و انتقادهای مغرضانه به اسم مطالبه‌گری از دولت، هم ظلم به دولت است، هم ظلم به جریان سیاسی خودشان. اصلاح‌طلبان از آز‌مون نهایی برای نجات جریان اصلاحات هم ناموفق بیرون آمدند و با حرکت در همان مسیر خطا و فاصله‌گذاری میان خودشان و دولت، در حال از دست دادن آخرین شانس برای نجات جریان اصلاحات هستند.

یک نجات دیده‌نشده

ادامه از صفحه یک

برخی دیگر از منتقدان پزشکیان، با درک پیچیدگی شرایط کشور – که شاید خون‌به‌ناحق ریخته شهید هتیه در فردای مراسم تحلیف پزشکیان، نمادی از این پیچیدگی‌ها باشد – پایان انتخابات را آغاز همکاری با دولت دانستند و اجازه دادند مسیر دولت برای اداره کشور از سسنگلاخ جدل‌های سیاسی و رسانه‌ای تخریب‌گر روان کشور نگذرد. این طیف تلاش کردند دست دولت را در این شرایط بگیرند و کمک کنند تا بتواند کشور را اداره کند. طبعاً این رویکرد با نوعی سکوت و اغماض در برابر پزشکیان و دولتمردانش همراه شد. سکوت معنایش هویداست، بی‌سروصداست و برای همین هم تحریف آن با نادیده‌گرفتنش راحت اتفاق می‌افتد. به‌ویژه در ادبیاتی که ضرب‌المثل «سکوت علامت رضاست» را راه و بی‌راه، مصداق هر نوع سکوتی شده و به‌غلط برای رفتارهای سیاسی هم به کار رفته، تحریف سکوت راحت‌تر است؛ پای سیاسی‌کاری هم که وسط باشد، راحتی‌اش مضاعف می‌شود؛ لذا این سکوت از سوی آن دسته اول، به مسامحه و وادادگی در برابر اشتباهات دولت پزشکیان تعریف شد و آنان با همان هیاهویی که پزشکیان را می‌زدند، اهالی این طیف را هم زدند و بی‌اعتنا به هر توضیحی و حتی بی‌اعتنا به تحسین رهبر انقلاب نسبت به امکان اجماع‌سازی در کشور که آن را ناشی از همدلی و هم‌فکری رؤسای سه قوه دانستند، این سکوت را همان وفاق معنا کردند و لفظ «وفاقی» را نه به‌مثابه وصفی نیک یا حتی نوعی تعامل سیاسی، بلکه در مقام یک دشنام سیاسی نثار هر کسی کردند که علاقه به جنگیدن با پزشکیان نداشت و چنین جنگی را به ضرر کشور می‌دانست.

از سوی دیگر، اصلاح‌طلبان به‌عنوان حامیان دولت تصور کردند سکوت هم «وظیفه» منتقدان است و هم «همیشگی» است؛ لذا هر نوع انتقادی را با جنجالی بسسیار و با توصیف تخریب و حمله علیه دولت پوشش دادند و فریاد زدند که ای داد، گفتند که بالای چشم دولت ابروست! حتی تکالیف و اختیارات قانونی مجلس برای تذکر و سؤال از دولتی‌ها هم از این جنجال‌آفرینی اصلاح‌طلبان دور نماند و آنان هم با کلیدواژه وفاق سراسر موضع رفتند و به دولت گفتند دیدید نتیجه وفاقان چه شد، ببینید در مجلس علیه دولت حرف زده‌اند؛ گویی قرار بوده وفاق، چشم‌بستن بر همه چیز باشد. هم اصلاح‌طلبان و هم آن تندر وهای انقلابی همراهی با دولت را درست فهم نکرده‌اند. این همراهی همان تلاش برای اجماع‌سازی بود، همان کمک به دولت برای اداره کشور؛ نه تبتانی و چشم‌بستن بر اشتباهات مبنایی بود، نه سهام‌خواهی.

اصلاح‌طلبان همه منتقدان دولت را همان طیف تندرو معرفی می‌کنند و علاقه‌ای ندارند عقلانیت انقلابی در میان منتقدان دولت دیده‌شود. عقلانیتی که با سکوت بسسیار و انتقاد کمتر و آرام‌تر همراه است. عقلانیت انقلابی را سانسور می‌کنند و تندروی‌ها را برجسته، تا چهره منتقدان دولت را مخدوش نشان دهند. طیف تندروی انقلابی هم فقط خودش را انقلابی می‌داند و دیگران را به تبتانی با دولت و چشم‌بستن بر اشتباهات بنی‌صدری متهم می‌کند؛ لذا جریان عقلانیت انقلابی با آنکه رسانه‌های بیشتری را در اختیار دارد و از قضا در بین خواص هم اعضای بیشتری دارد، کمتر دیده می‌شود و نجات‌منتقدان در سکوت همراه با مصلحت‌سنجی در برابر دولت پزشکیان، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و گویی خود دولت هم متوجه آن نیست. سال‌ گذشته وقتی پزشکیان تازه رأی آورده بود، در ایام محرم به هیئت‌های مختلف سرر زد و همه‌جا با استقبال مداحان اهل بیت مواجه شد، آن هم مداحانی که همه می‌دانستند منتقد او هستند و به او رأی نداده‌اند، اما آن‌ها با صدای خیر و پرچم‌های متبرک، او را بدرقه‌دولت کردند و سسایر منتقدان دولت هم این رفتار مداحان را تحسین کردند. سوز‌ساز رسانه‌ای اصلاح‌طلبان بر خوی نیک پزشکیان در تعامل با منتقدان بود که البته درست هم بود و پزشکیان در این یکسال‌ونیم گذشته از دولتش نشان داد برخلاف دولت قبلی اصلاح‌طلبان و برخلاف خود اصلاح‌طلبان، به دنبال ایجاد چالش هر روزه در کشور با ساخت انواع دوطبقی‌ها و نیش و کنایه‌زدن به منتقدان و مردم نیست، اما کسی آن‌سوی ماجرا را روایت نکرد و گویی لنید که پزشکیان چه منتقدان نجیبی دارد که این گونه او را دولتش را در آغوش کشیدند‌اند؛ وگرنه که منتقدان شهید رئیس، صاحب یک بقالی را به خاطر تعارف شکلاتی به او آواره کردند!

ضربه به رژیم صهیونیستی و امارات است که جغرافیای کوچکی دارند.

ضربات به حاشیه این جغرافیا گرچه تبعات کمتری دارند؛ اما به تأثیر ضربات مستقیم به مراکز آن نیستند.

ترکیه در چند حوزه مرزی با جبهه مقابل خود درگیری دارد. در مسئله‌بخش ترک‌نشین قبرس، ترکیه با مستقر کردن ارتش در منطقه موسوم به قبرس شمالی از این منطقه در برابر کشور قبرس که یونانی‌تبار است، حمایت می‌کند. از سوی دیگر تمام جزایر مابین ترکیه و یونان در اختیار طرف یونانی قرار گرفته و این حوزه نیز یک محل اختلاف جدی، تاریخی، سرزمینی و امنیتی مابین دو کشور است.

در سوریه ترکیه نگران حمایت و اتصال زمینی رژیم صهیونیستی به کردهاست درحالی‌که به طور هم‌زمان تل‌آویو با بمباران مستقیم قوای ترکیه با تسلیحات ارسالی مانع گسترش قدرت نظامی این کشور در مرکز و جنوب سوریه می‌شود.

در این تحولات رژیم صهیونیستی در تعارض کامل با محور ترکیه و قطر قرار دارد. به نظر می‌رسد همکاری بین محور ترکیه – قطر با محور مقاومت در قضایای شام و مدیترانه شرقی ناگزیر است؛ چه اینکه عربستان نیز با وجود ملاحظاتی به سمت این دو محور گرایش‌هایی نشان داده است. اختلاف اصلی این محور‌ها در سوریه است؛ جایی که ترکیه با توطئه مسیر انتقال سلاح به لبنان را مسدود کرده و جولانی سعی داشت در همکاری با رژیم صهیونیستی هم‌زمان از سمت مرزهای شرقی به لبنان حمله کند. اگر آنکارا دوحه موفق به مدیریت چنین مشکلاتی در سوریه شوند، محور مقاومت از طریق لبنان و گروه‌های مستقر در داخل فلسطین، رژیم صهیونیستی را مهار می‌کند.

ترکیه با توطئه علیه محور مقاومت در سوریه حائل خود با رژیم صهیونیستی را از دست داد و حالا با تبعات آن مواجه‌شده است. اگر مقاومت به شکل سابق در سوریه باقی می‌ماند رژیم صهیونیستی قادر به اشغال جنوب و ترسیم دورنمای اتصال به مناطق کردنشین در شرق این کشور و مجاورت مرزهای ترکیه نبود و نمی‌توانست از لبنان امتیازات ارضی و ترسیم خطوط در یابی دریافت کند.

رژیم صهیونیستی هم‌زمان در حال گسترش نفوذ خود در شمال و شاخ آفریقا و دریای سرخ است. رژیم صهیونیستی و امارات با خلیفه فخر حاکم شرق لیبی مستقر در بنغازی، چاد، نیروهای موسوم به «واکنش سریع» که غرب سودان را در اختیار دارند و همچنین شورشیان یمنی که بر جنوب و شرق این کشور مسلط‌اند، یک نوار از مدیترانه تا دریای سرخ و خلیج عدن کشیده‌اند.

نقطه فروپاشی این جغرافیای وسیع